

جام جهانی فوتبال در آلمان و تجارت زنان

- در کشور آلمان ۴۰۰۰۰۰ زن دارای شغل تن‌فروشی (قانونی) هستند.
- فروش حاصل در صنعت سکس در آلمان ۱۲/۵۰۰ میلیارد یورو در سال است.
- طبق آمار رسمی ۴۰۰۰۰ زن در شهر هامبورگ آلمان در این بخش به کار گرفته شده‌اند، که ۶۰ درصد از آنان زنان مهاجر هستند.
- سالانه ۱۲۰۰ میلیون مرد به این مراکز رجوع می‌کنند.*

در آستانه‌ی مسابقات جام جهانی فوتبال در آلمان، تجارت زنان و فحش‌های اجباری نیز گسترش می‌یابد. طبق تخمین گروه‌های فعال زنان، عرضه‌ی ۴۰۰۰۰ زن، در ۱۳ شهر آلمان که مسابقات جام جهانی در آن‌ها برگزار می‌شود، پیش‌بینی می‌شود. پلیس آلمان که ظاهراً در پی مبارزه با باندهای قاچاقچی در این زمینه است، اخیراً عملیات گسترده‌ای برای شناسایی و دستگیری باندهای فعال انجام داد که طی آن ۱۰۰ نفر دستگیر شدند. در عین حال روشن است که این عملیات برخوردی مقطعی به این پدیده است و نتیجه‌ی عمده‌ی آن در واقع دستگیری زنانی است که بدون اجازه‌ی اقامت و کار در آلمان به سر می‌برند که پس از دستگیری نیز به کشورهای خود بازگردانده می‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی زنان و تعدادی از سازمان‌های فعال در آلمان نیز که در این زمینه هشدار می‌دهند، در واقع به پدیده‌ی تن‌فروشی تنها در چارچوب قوانین موجود برخورد می‌کنند و مبارزه‌ی خود را علیه فحش‌های اجباری محدود می‌کنند. در واقع مفهوم "اجباری" برای آنان، مفهومی است که قانون تعیین می‌کند. چرا که از سال ۲۰۰۳ در کشور آلمان تن‌فروشی به عنوان شغل به رسمیت شناخته شده است. سازمان‌های زنان مانند Terre des Femmes و شورای زنان در آلمان و دیگر انجمن‌ها در این مورد سکوت می‌کنند که زنان بسیاری در واقع آزادانه دست به این کار نمی‌زنند و اگر در شرایط بهتری از نظر اقتصادی، فرهنگی و جایگاه اجتماعی قرار داشتند، انتخاب دیگری می‌کردند. طبق آمار رسمی حتی در بین زنانی که به طور قانونی در این بخش کار می‌کنند، و عبارت فحش‌های اجباری در مورد آنان صدق نمی‌کند، تنها ۱۳ درصد آلمانی هستند. بقیه عمدتاً مهاجرانی هستند از کشورهای روسیه، بلغارستان، لهستان و رومانی که در اثر فقر و نابسامانی در کشور خود مجبور به این کار می‌شوند.

در زمینه‌ی مبارزه با فحش‌های اجباری نیز مبارزات اکثر گروه‌ها و سازمان‌های فعال زنان به مناسبت جام جهانی فوتبال از حد چنین پیام‌هایی به مردان فراتر نمی‌رود: "مشتري حق انتخاب دارد، در بين قشر چراغ قرمز، عادلانه بازی کن!" و یا "انتخاب صحیح داشته باش، تا همه چیز نظم خود را داشته باشد." هدف از این پیام‌ها این است که به جای این که مردان سراغ زنانی بروند که تحت کنترل باندهای سکس هستند و به اجبار به این کار می‌پردازند، زنانی را انتخاب کنند که طبق قانون آزادانه این کار را انجام می‌دهند.

زنانی که قیمت‌شان کم است، زبان آلمانی بد صحبت می‌کنند، آثاری از اعمال خشونت بر بدن خود دارند و جوان هستند، احتمالاً مجبور به این کار شده‌اند؛ این ویژگی‌ها را رئیس سازمان عفو بین‌المللی زنان در آلمان، خانم ورونیکا مونک ذکر می‌کند تا مردان بتوانند از قانونی بودن و یا غیر قانونی بودن کالای خود مطمئن شوند. در رابطه با گسترش تجارت زنان در رابطه با جام جهانی فوتبال، نظر خانم مونک این است که فرق زمان برگزاری این بازی‌ها با دیگر وقت‌ها تنها این است که در این دوره زنان کمی درآمد بیشتری خواهند داشت (!!!).

اگر به مناسبات اجتماعی موجود کمی دقیق‌تر شویم، به این نتیجه می‌رسیم که در واقع همه‌ی کارگران مجبور به فروش نیروی کار خود هستند. ولی در جامعه‌ای که اخلاقی دوگانه را موعظه و عمل می‌کند، تن‌فروشی تنها پذیرفتن معمول یک قرارداد کار نیست. جنایاتی که در این بخش سوداگری به وقوع می‌پیوندد، صرف نظر از مشکلات اجتماعی، معضلات روحی و جسمی خاص خود را نیز به دنبال دارد. به ندرت می‌توانند زنانی که در این دام گرفتار آمده‌اند، خود را از آن رهایی بخشند. آنان

تجاوز از روزمره را تجربه می‌کنند و هیچ‌گونه حقی ندارند، نه حق انتخاب زندگی و نه گاهی حتی حق انتخاب مرگ خود. و از جامعه‌ای که در آن مدافعان حقوق این زنان امثال خانم مونک باشند، چه انتظاری می‌توان داشت؟

ولی این پدیده نه مختص جامعه‌ی آلمان است و نه محدود به زمان انجام بازی‌های جام جهانی فوتبال. طبق آمار رسمی سازمان بین‌المللی مهاجرت، سالانه بین یک تا دو میلیون زن در صنعت سکس در کشور خود و یا در کشورهای دیگر مشغول به کارند. بسیاری از زنانی نیز که قانونی یا به اصطلاح "آزادانه" در این بخش کار می‌کنند از قیل نمی‌دانند، چه چیز انتظار آنان را دارد. بسیاری از آنان قراردادهای کار به عنوان کارگر رستوران و یا نظافتچی و پرستار بچه می‌بندند و سپس با خشونت به در اختیار گذاردن تن خود در خدمت اربابان مجبور می‌شوند. به بسیاری از آنان که بر اثر نیازهای اقتصادی به این کار روی آورده‌اند، در آغاز وام‌هایی پرداخت می‌شود که چنان بهره‌ی بالایی دارند، که همیشه مقروض می‌مانند و برای جبران این قرض تن به این کار می‌دهند یا به اعتیاد کشیده می‌شوند تا به کار خود ادامه دهند و یا زنان خارجی برای حفظ اقامت و تأمین خانواده‌های گرسنه‌ی خود در کشورشان.

هنگامی که مفهوم "تجارت زنان" به کار برده می‌شود، بایستی دقت کرد که زن کالا نیست. زن انسانی با توانایی‌ها، امیدها و رویای یک زندگی بهتر است، مثل تمامی انسان‌ها. تنها زنان نیستند که استثمار می‌شوند و زنان نیز تنها در صنعت سکس نیست که استثمار می‌شوند. در واقع نقش اجتماعی و استثمار آنان در کارخانه، در مزارع، در بخش خدمات و در خانه است که سود سوداگران صنعت سکس را تضمین می‌کند. این همان مجموعه روابطی است که قانون وظیفه‌ی حفظ آن را دارد و گروه‌ها و سازمان‌هایی که تحت حمایت دولت‌ها هستند، و نقش آنان این است که مرحمی موقتی بر زخم‌های حاصل از این مناسبات گذارند و یا تنها آن‌ها را بیوشانند، در مورد آن سکوت می‌کنند.

* منبع: سایت خبری کانال تلویزیونی wdr آلمان، آرشیو ۲۰۰۵

افسانه پویش